

قیام و انقلاب مهدی (عج)

از دیدگاه فلسفه تاریخ

نویسنده: استاد شهید مرتضی مطهری (ره)

انتشارات: صدرا

خلاصه شده توسط: دکتر حسین محمدی فام

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و عدالت بر باطل و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی و تشکیل مدینه فاضله توسط شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی به آن مومن و معتقد هستند. زیرا این اندیشه ریشه در قرآن دارد و قرآن کریم است که غلبه قطعی صالحان و متقیان را در آیه ۱۰۵ سوره انبیا و کوتاه شدن دست جباران برای همیشه را در آیه ۵ سوره قصص و دیگر آیات بشارت داده است.

انتظار فرج

امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی در زبان روایات اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده است که افضل عبادات دانسته شده است.

دو گونه انتظار

یک) انتظاری که سازنده و نگهدارنده، تحرک بخش و نیرو آفرین است

دو) انتظاری که ویرانگر و فلج کننده و نوعی اباحی‌گری است

این دو نوع انتظار معلول دو نوع برداشت از واقعه ظهور است. خود آن دو نوع برداشت نیز از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌شود:

حالت اول) برخی تحولات تاریخی را تصادفی می‌دانند که تحت ضابطه کلی در نمی‌آید. آنها معتقد هستند که جامعه چیزی جز مجموعه‌ای از افراد با طبایع فردی و شخصی نیست لذا حوادث با انگیزه‌های فردی و شخصی به وجود می‌آید و کاملاً تصادفی است.

حالت دوم) اما برخی دیگر جامعه را مستقل از افراد، دارای طبیعت و شخصیت می‌دانند و معتقدند شخصیت جامعه عین شخصیت افراد نیست بلکه از ترکیب و فعل و انفعال فرهنگی افراد شخصیتی واقعی و حقیقی به وجود می‌آید.

این افراد قائل هستند که تاریخ فلسفه دارد و تحولات تاریخی طبق ضوابط خود عمل می‌کنند.

قرآن و تاریخ

مسئله انتظار فرج هم بحثی فلسفی و اجتماعی است، هم بحث دینی و قرآنی. قرآن مجید تاریخ را به عنوان یک منبع معرفت و شناسایی معرفی کرده است. همچنین قرآن کریم تصریح می‌کند که قواعدی ثابت و تغییرناپذیر بر سرنوشت اقوام حاکم است (آیه ۴۳ سوره فاطر).

قرآن معتقد است که مردم می‌توانند با استفاده از سنن جاریه الهیه در تاریخ سرنوشت خویش را نیک یا بد بگردانند. آیاتی مانند آیه ۱۱ از سوره مبارکه رعد نشانگر این معنا است.

قرآن مجید هم بر شخصیت و واقعیت جامعه تاکید دارد و هم بر سیر صعودی و کمالی آن. پس باید به بررسی تکامل تاریخ از نگاه قرآن پرداخت.

دو شیوه مختلف

توجیه کامل تاریخ با دو شیوه مختلف صورت می‌گیرد:

۱. ابزارای و یا دیالکتیکی

۲. انسانی یا فطری

الف) بینش ابزارای یا دیالکتیکی

بینش دیالکتیکی طبیعت بر این اساس است که :

اولاً طبیعت در حال حرکت و تکاپوی دائم است و توقف ندارد.

ثانیاً هر جز از اجزا و طبیعت تحت تاثیر سایر اجزای طبیعت است و همبستگی کامل میان همه اجزا وجود دارد. به تعبیر دیگر هر چیزی در لحظه بعد با همان چیز در لحظه قبل تفاوت دارد.

ثالثاً حرکت از تضاد ناشی می‌شود یعنی تضادها و کشمکش‌ها پایه حرکت‌ها است.

رابعاً جدال درونی اشیا رو به تضاد است و آنقدر شدت می‌یابد که به آخرین حد اختلاف می‌رسد و لذا یک انقلاب جهش بار به وجود می‌آید و شی به ضد خود تبدیل می‌شود. و دوباره همین مسیر را می‌رود جلو تا به ضد خود تبدیل شود:

حالت اول: تز (حالت اولیه) / حالت دوم: آنتی تز (ضد حالت اولیه) / حالت سوم: سنتز (ضد ضد حالت اولیه)

در این نگاه طبیعت هدفدار نیست و کمال خود را جستجو نمی‌کند و به سوی انهدام خویش تمایل دارد.

برخی تاریخ را نیز همین گونه و جزئی از طبیعت و دارای چنین فرایندی می‌دانند که تاریخ مانند خود طبیعت همواره از میان ازداد عبور می‌کند که در هر مرحله، مرحله قبلی مرحله بعدی را درون خود پروراند است و پس از یک سلسله کشمکش‌ها جای خود را به او داده است.

این طرز تفکر درباره طبیعت و تاریخ «تفکر دیالکتیکی» نامیده می‌شود. از طرف این‌ها چون ش‌های اجتماعی را در طول تاریخ تابع و وابسته به ابزار تولید می‌دانند ما این طرز تفکر و بینش را در مورد تاریخ «بینش ابزاری» می‌نامیم. به تعبیر دیگر ز نگاه این‌ها تاریخ ماهیت و طبیعت مادی دارد و باید از آن به «مادیات تاریخی یا ماتریالیسم تاریخی» تعبیر کرد.

هسته اصلی

باید بررسی کنیم که هسته اصلی تفکر دیالکتیکی در مورد کل طبیعت و درباره به خصوص تاریخ چیست؟

یک؛ هم واقعیت خارجی حالت دیالکتیکی دارد و هم خود اندیشه! یعنی اندیشه هم مانند وقایع، دارای تز و آنتی تز و سنتز است.

دو؛ تضاد یعنی: هر هستی در ذات خود متضمن نیستی است! یعنی هرچیزی نفی خود را در درونش می‌پروراند و به آن متحول می‌گردد.

پس بدانیم که اینطور نیست که هر مکتبی که به اصل حرکت یا تضاد میان اجزاء طبیعت قائل باشد، دیالکتیکی است!

این تهمت آنان به اسلام است که می‌گویند اسلام به خاطر اعتقاد به اصل حرکت و سیوریت (الی الله تصیر الامور) و یا به خاطر اعتقاد به اصل تضاد، تفکر دیالکتیکی دارد!

ب) بینش انسانی یا فطری

بینش انسانی تاریخ، نقطه مقابل بینش ابزاری است. این بینش به انسان و ارزشهای انسانی چه در فرد و چه در جامعه اصالت می‌دهد. این بینش بر خلاف تفکر دیالکتیکی است که انسان را یک ظرف خالی میدانند که شخصیتش فقط با عوامل اجتماعی بالاخص عوامل اقتصادی پی ریزی میشود. در بینش انسانی و فطری، انسان فقط از بیرون تاثیر نمی‌پذیرد بلکه از درون دارای استعدادهای بالقوه است. حرکت انسان به سوی کمالات انسانی اش، از نوع حرکت دینامیکی است و نه از نوع حرکات مکانیکی.

این بینش انسانی و فطری، از نظر روانشناسی انسان را مرکب از غرایز حیوانی از یک سو و غرایز عالی اخلاقی و الهی می‌داند و از نظر فلسفی جامعه نیز، جامعه را هم مرکبی واقعی و ترکیبی از خصلت‌های عالی و دانی افراد می‌داند. تکامل انسان از غرایز حیوانی به سوی تمایلات معنوی و حقیقت خواهد بود. نبرد درونی انسان ه قدما آن را نبرد میان نفس و عقل می‌دانستند خواه ناخواه به نبرد میان گروه‌های انسان‌ها کشیده می‌شود یعنی نبرد میان انسان‌های کمال یافته و آزادی معنوی به دست آورده و انسان‌های حیوان صفت و ماده پرست.

تفسیر همه نبردهای تاریخ به نبرد میان نو و کهنه به مفهوم طبقاتی جفا است. در تاریخ سلسله نبردهایی نیز وجود داشته که باید آنها را نبرد میان حق و باطل یا میان خیر و شر خواند. همان که در قرآن به نبرد میان «حزب الله» و «حزب الشیطان» تعبیر شده است.

نبردهای تاریخ دارای شکل‌ها و ماهیت‌های مختلف بوده است اما نبردهای پیش برنده که تاریخ و انسانیت را به جلو برده و تکامل بخشیده همواره نبرد میان انسان متعالی وارسته انسان بی‌مسلک خودخواه منحط حیوان صفت بوده است. این نبردها هیچگاه ماهیت طبقاتی نداشته و به صورت صف آرایی میان نو و کهنه به مفهومی که در نظریه ابزارآرای بیان شده، نبوده است.

نوسانات تاریخ

هرچند در مجموع حرکت تاریخ تکاملی است ولی بر خلاف نظریه ابزارآرای سیر تکاملی تاریخ، جبری و لایتخلف نیست یعنی چنین نیست که لزوماً در هر مرحله امعه نسبت به قبل خود کامل‌تر بوده باشد. از آنجا که عامل اصلی این حرکت انسان است و انسان موجودی مختار می‌باشد لذا تاریخ در حرکت خود نوسانات دارد گاهی جلو می‌رود و گاهی به عقب برمی‌گردد ولی در مجموع رو به تکامل است.

سیر تکاملی بشریت به سوی آزادی از اسارت طبیعت مادی و شرایط اقتصادی و منافع فردی و گروهی، و به سوی هدفی بزرگ مانند ایمان و ایدئولوژی بوده و هست.

مثلت هگلی

مثلت «تزر، آنتی تزر، سنتز» در شکل هگلی و مارکسیستی نه در طبیعت صدق می‌کند و نه در تاریخ. در نتیجه تاریخ از میان اضداد عبور نمی‌کند.

دو نوع تلقی از انسان

این دو نوع بینش درباره حرکت تکاملی تاریخ، نتیجه دو نوع تلقی از انسان و هویت واقعی او است.

بنابر یکی از این دو تلقی، انسان در ذات خویش فاقد شخصیت انسانی است و هیچ امر ماوراء حیوانی در سرشت او نهاده نشده است. بنابراین تلقی آنچه در انسان اصالت دارد همان جنبه‌های حیوانی او است. اما بنابر تلقی فطری از انسان، انسان موجودی است دارای سرشت الهی و مجهز به فطرتی حق جو و حق طلب که ارزش‌های انسانی در او اصالت دارد.

تلقی قرآن

بدون شک تفسیر قرآن از تاریخ، به شکل دوم است. یعنی از نظر قرآن از آغاز جهان همواره نبردی پیگیر میان گروه اهل حق و گروه اهل باطل برپا بوده است. هر فرعونی موسایی در برابر خود داشته است.

آموزندگی تاریخ

اگر تاریخ یک سلسله حوادث تصادفی و اتفاقی باشد با افسانه تفاوتی نخواهد داشت. اگر تاریخ ضابطه و قاعده داشته باشد اما اراده انسانی نقشی نداشته باشد تاریخ فقط از جنبه نظری آموزنده خواهد بود و نه از جنبه عملی.

اگر ضابطه و قاعده داشته باشد و انسان نیز نقش موثر داشته باشد اما عامل تعیین کننده را زر یا زور بدانیم در آن صورت تاریخ آموزنده هست اما آموزنده بدی.

اما اگر تاریخ را دارای قاعده و ضابطه و اراده انسان را نیز موثر در تحولات تاریخ و نقش اصیل و نهایی را در سعادت و کمال جامعه برای ارزش‌های اخلاقی و انسانی بدانیم، تاریخ هم آموزنده خواهد بود و هم مفید.

باید گفت که قرآن کریم با چنین دیدی به تاریخ نگاه می‌کند.

جامعه ایده آل

آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است که هم الهام بخش و راهگشا به سوی آینده است و هم آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی.

مشخصات انتظار بزرگ

یک) خوشبینی به آینده بشریت:

درباره آینده بشریت نظرها مختلف است:

برخی معتقدند که شر و فساد و بدبختی لازمه لاینفک حیات بشری است.

برخی دیگر اساساً حیات بشر را اتر می‌دانند و معتقدند بشر به سوی نابودی خود با مهارت شگرف علمی به دست آورده خویش، در حال حرکت است.

برخی دیگر معتقد هستند که شر و فساد معلول مالکیت فردی است مالکیت فردی هم معلول درجه‌ای از تکامل ابزار تولید است و لذا آنچه مایه خوشبختی است تکامل ماشین است.

نظریه چهارم این است که ریشه فسادها و تباهی‌ها نقص روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی را طی می‌کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است.

این نظریه که الهامی از دین است معتقد است که آینده‌ای بس روشن و سعادت بخش که در آن فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد در انتظار بشریت است.

دو) پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت بر زور و استکبار و ظلم و اختناق

سه) حکومت جهانی واحد

چهار) آبادی تمام زمین

پنج) بلوغ بشریت به خردمندی کامل

شش) حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین

هفت) برقراری مساوات کامل میان انسان‌ها

هشت) منفی شدن مفاسد اخلاقی

نه) منتفی شدن جنگ‌ها و برقراری صلح و صفا

ده) سازگاری انسان و طبیعت

دو نوع انتظار

باید برگردیم به اول سخن و آن اینکه انتظار فرج دو گونه است: انتظاری که سازنده و تحرک بخش است و انتظاری که ویرانگر و بازدارنده است و نوعی اباحی‌گری محسوب می‌شود.

انتظار ویرانگر

برداشت قشری از مردم از مهدویت و انقلاب امام زمان این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد. یعنی فقط از گسترش و اشاعه ظلم و فحشا اشی می‌شود و نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است.

آنها معتقدند که وقتی صلاح به نقطه صفر برسد و حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و هیچ فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می‌دهد و دست غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون می‌آید. علیهذا هر اصلاحی محکوم است و برعکس هر گناه و فساد و ظلمی چون مقدمه صلاح کلی است روا است!

اینجاست که گناه هم فال است و هم تماشا! هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی!

شبه دیالکتیکی

این نوع از برداشت از آن جهت که با اصلاحات مخالف است و فسادها و تباهی‌ها را مقدمه یک انفجار مقدس می‌شمارد باید «شبه دیالکتیکی» خوانده شود. اما فرق آن با تفکر دیالکتیکی در آن است که در تفکر دیالکتیکی با اصلاحات مخالفت می‌شود تا اف وسیع‌تر شود و مبارزه پیگیرتر و داغ‌تر گردد اما در این تفکر عامیانه این مزیت نیز وجود ندارد.

این برداشت از قیام مهدی علیه السلام با موازین اسلام و قرآن وفق ندارد.

انتظار سازنده

از آیات قرآن و روایات اسلامی عکس برداشت بالا استفاده می‌شود. ظهور مهدی موعود، حلقه‌ایست از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. از آیات قرآن استفاده می‌شود که مهدی موعود(عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است و او مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ

آری خداوند به مومنان و شایسته کاران وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد و دینی که برای آنها آن را پسندیده است مستقر سازد و دوران خوف آنها را تبدیل به دوران امنیت سازد.

ظهور مهدی موعود(عج) منتی است بر مستضعفان و وسیله‌ای است برای پیشوا و مقتدا شدن آنان:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

ظهور او تحقق بخش وعده‌ای است که از قدیمی‌ترین زمان‌ها در کتب آسمانی به صالحان داده شده است:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

حدیث معروف که می‌فرماید «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» شاهد مدعای ما است نه مدعای آن گروه، چون سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است می‌رساند که قیام مهدی برای حمایت از مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند.

شیخ صدوق روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند مبنی بر اینکه این امر تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند، بدیهی است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نشده به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی‌شود و لذا معلوم می‌شود در عین اشاعه ظلم و فساد ینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده‌ای پرورش یابد.

از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام و ظهور امام یک سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد مانند آنچه به نام قیام یمانی در قبل از ظهور بیان شده است. در روایات اسلامی سخن از دولتی است که اهل حق برپا می‌کنند و تا قیام مهدی جل الله تعالی فرجه ادامه پیدا می‌کند.

از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود علیه السلام آخرین حلقه از مجموعه حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است.

مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است.